

بررسی مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در قانون مجازات اسلامی

(تاریخ دریافت ۱۴۰۰/۰۷/۱۵، تاریخ تصویب ۱۴۰۰/۱۲/۱۸)

اسلام قریشی^۱

حسین علی ملایی

چکیده

در نظام کیفری کشور ما تا قبل از تصویب قانون جرائم رایانه‌ای به معنای اخص و قانون مجازات اسلامی ۹۲ به معنای اعم، هیچ‌گاه به صراحت مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی را پیش‌بینی نکرده بود. پیش‌بینی مجازات‌های اشخاص حقوقی یکی از بارزترین دستاوردهای قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ می‌باشد. بعد از قانون جرایم رایانه‌ای، این قانون دومین قانونی است که به پیش‌بینی مجازات اشخاص حقوقی پرداخته است. براساس مقررات قوانین سابق عده‌ای معتقد بودند که «در موارد سکوت مقررات قانونی می‌توان گفت: «تنها اشخاص طبیعی که نماینده اشخاص حقوقی بوده و به نام آنها فعالیت می‌کنند (رئیس، مدیر، مدیرعامل، نماینده، مأمور و مستخدم) ممکن است مرتکب جرم شده و مسئولیت جزایی شخصی آنان مطرح شود، ولی خود شخص حقوقی نه می‌تواند مجرم شناخته شود و نه قابلیت تحمل کیفر را دارد» لیکن با تصویب قانون حاضر، صراحتاً اشخاص حقوقی نیز واجد مسئولیت شناخته شده‌اند. البته طبق صراحت ماده ۲۰ قانون جدید اعمال مجازات برای اشخاص حقوقی مانع از مجازات شخص حقیقی نیست. در خصوص جزای نقدی ماده ۲۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نیز که از ماده ۳۸-۱۳۱ قانون جزای فرانسه اقتباس گردیده است: «حداکثر جزای نقدی قابل اعمال بر اشخاص حقوقی معادل پنج برابر مبلغی است که به وسیله قانون سرکوب‌کننده جرم برای اشخاص حقیقی پیش‌بینی شده است». با تصویب قانون حاضر، صراحتاً اشخاص حقوقی نیز واجد مسئولیت شناخته شده‌اند که نگارنده سعی نموده، تا با توجه به مراتب مذکور، و ضرورت موضوع مقاله حاضر بطور مستقل به بررسی این امر بپردازد.

واژگان کلیدی: مسئولیت کیفری، اشخاص حقوقی، قانون مجازات، جزای نقدی، انحلال، رایانه

^۱ نویسنده مسئول

مقدمه

در آغاز یعنی در محدوده سال‌های ۱۸۷۰ تا ۱۹۳۰ با توجه به این ایده که ارتکاب جرم قصد مجرمانه را لازم دارد و شخص حقوقی فاقد چنین قابلیت است، ارتکاب ترک فعل و نقض تعهداتی که به عهده این اشخاص به موجب قوانین گذاشته شده است، باعث ایجاد مسئولیت کیفری برای آن‌ها می‌گردید، که البته تنها ضمانت اجرای آن پرداخت مبلغی به عنوان جزای نقدی بود و این مسئولیت بدلیل وجود این طرز تلقی بود که اشخاص حقوقی به منظور انجام وظایف و تعهدات خاصی تشکیل شده‌اند، در صورتی که در انجام آن تعهدات قصور ورزیده یا عاجز باشند خود مسئول هستند نه اشخاص تشکیل دهنده آن، تا مدت‌ها مسئولیت کیفری این اشخاص مبتنی بر تئوری مسئولیت جانشینی بود. بدین معنی که تنها جرائم فوق را قابل انتساب به اشخاص حقوقی می‌دانسته‌اند. مشکل واقعی در سر راه سیر تحول مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی یکی ماهیت جرائم سنتی حقوق جزا به طور کلی و دیگر مسئله قصد مجرمانه به طور خاص بود. بیشترین مقاومت‌ها در راه پذیرش مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در این دو جبهه به چشم می‌خورد. قانونگذاران معتقد بودند که این اشخاص نمی‌توانند مرتکب جرائم علیه اشخاص و نیز ادای شهادت و سوگند دروغ و یا خیانت به کشور شوند. چرا که این جرائم خصوصیت خود را از فکر فاسد مرتکب خود می‌گیرند و به واقع این‌ها نقض تعهدات اجتماعی هستند که به اشخاص حقیقی واگذار شده است و یک شخص حقوقی هیچ یک از این تعهدات را ندارد، بنابراین نمی‌تواند مجرم شناخته شود. از طرف دیگر این دیدگاه وجود داشت که ارتکاب جرم مستلزم یک عمل ارادی از روی فهم و شعور است و اجرای آنچه در ذهن و فکر می‌باشد و این از حد توانایی و قابلیت یک شخص حقوقی بیرون می‌باشد. تا اینکه در اواخر دهه ۱۹۴۰، طلعه‌های واقعی حقوق مدرن مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی خارج از محدوده جرائم مادی صرف و مسئولیت جانشینی تبلور یافت و این امر با ظهور دکترین اصیل واقعی ممکن شد، با این هدف که شخص حقوقی را باید بتوان مستقیماً مسئول ارتکاب جرائم کیفری، حتی جرائمی که قصد مجرمانه را نیاز دارند، دانست. این شکل جدید مسئولیت بر پایه این ایده استوار بود که شخص حقوقی را می‌توان با اعمال مدیران و ماموران ارشد آن یکی دانست، بنابراین شخص حقوقی شخصا در مقابل اعمال آنها مسئول است چرا که فرض می‌شود این اعمال، اعمال خود اوست. ولی به هر حال در جرائم مادی صرف اشخاص حقوقی بر اساس تئوری قبلی (مسئولیت جانشینی) مسئول شناخته می‌شدند. در ادامه این تحولات

حقوقدانان به تعریف و توصیف مفهوم جرم اشخاص حقوقی پرداختند. البته تعریف جرم در رابطه با اشخاص حقوقی، تفاوتی با آنچه در قوانین جزایی از جرم به طور کلی توصیف شده است ندارد اما عموماً جرم اشخاص حقوقی را به هر گونه فعالیت غیرقانونی که از طریق ارتکاب آن عامل اصلی با استفاده از فرم و قالب شخص حقوقی در صدد افزودن به منافع مادی آن است تا منافع شخصی خود اطلاق می‌شود. باید اذعان نمود که پیچیدگی نسبی و آثار مبهم مجرم اشخاص حقوقی اغلب بر جامعه مخفی نگهداشته شده است. اما خسارت ناشیه از آن چه جسمی و چه اقتصادی مبہوت کننده است. هر چند امروزه در این موضوع که اشخاص حقوقی می‌توانند مرتکب جرم شوند، محل تردید است. نظام کیفری کشور ما تا قبل از تصویب قانون جرائم رایانه‌ای به معنای اخص و قانون مجازات اسلامی ۹۲ به معنای اعم، هیچ گاه به صراحت مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی را پیش‌بینی نکرده بود. به قول دکتر اردبیلی «طبع فرد مدارانه قوانین کیفری مانع از آن بوده است که تکالیف مقرر در قانون به گروه یا جمع واحدی تسری پیدا کند» و رویه قضایی نیز تا قبل از تصویب قانون جدید، هر جا سخن از شخص در مقررات کیفری به میان آورده مخاطب را انسان‌های طبیعی شناخته است ولی در عین حال حتی تا قبل از تصویب قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲ و قانون جرایم رایانه‌ای نیز در قوانین قبل و بعد از انقلاب به مواردی برمی‌خوریم که مجازات اشخاص حقوقی پیش‌بینی شده است. البته قول قانونگذار مبنی بر دادن مسئولیت کیفری به اشخاص حقوقی در همه موارد یکسان نیست زیرا در بعضی موارد مسئولیت و کیفر جرایم اشخاص حقوقی را متوجه خود شخص حقوقی نموده و در بعضی موارد این مسئولیت را متوجه اشخاص حقیقی (مدیران شخص حقوقی) می‌داند. برخی قوانین مانند قانون مجازات اسلامی، مجازات اشخاص حقوقی را به صورت کلی و در کتاب مربوط به قواعد عمومی حقوق جزا پیش‌بینی کرده‌اند. به طور کلی، در قوانین جزایی ایران و به خصوص قوانین راجع به مجازات عمومی و اسلامی (اعم از قوانین سال ۱۳۰۴، ۱۳۵۲، ۱۳۶۱ و یا ۱۳۷۰) مواد صریحی در زمینه مسئولیت جزایی اشخاص حقوقی نمی‌توان دید، اما جابه‌جا و در برخی موارد قانونگذار گاه با صراحت و روشنی و گاه به طور ضمنی با مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی برخورد کرده و غالباً همان شخص حقوقی را مسؤول پاسخگویی دانسته است. چنانچه از اعمال مجرمانه شخص حقوقی و یا ترک اعمال آنها خسارتی ایجاد شود طرح این خسارت من باب مسئولیت مدنی اشخاص حقوقی و مطالبه ضرر و زیان ناشی از جرم مشروط به احراز رابطه علیت بین خسارت و جرم بی‌اشکال است. براساس مقررات قوانین سابق عده‌ای معتقد بودند که «در موارد سکوت مقررات قانونی می‌توان گفت: «تنها اشخاص

طبیعی که نماینده اشخاص حقوقی بوده و به نام آنها فعالیت می کنند (رئیس، مدیر، مدیرعامل، نماینده، مأمور و مستخدم) ممکن است مرتکب جرم شده و مسئولیت جزایی شخصی آنان مطرح شود، ولی خود شخص حقوقی نه می تواند مجرم شناخته شود و نه قابلیت تحمل کیفر را دارد» لیکن با تصویب قانون حاضر، صراحتاً اشخاص حقوقی نیز واجد مسئولیت شناخته شده اند.

سؤال اصلی تحقیق

مسئولیت کیفری در حقوق ایران در برابر اشخاص حقوقی با تأکید بر قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ چگونه تبیین شده است ؟

سؤالات فرعی تحقیق

۱- آیا در قانون مجازات اسلامی اشخاص حقوقی دولتی و یا عمومی غیر دولتی دارای مسئولیت کیفری می باشند؟

فرضیات تحقیق

۱. به نظر می رسد در قانون مجازات اسلامی برای اشخاص حقوقی دولتی و یا عمومی غیر دولتی مسئولیت کیفری تبیین شده است
۲. به نظر می رسد مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی تنها در قانون جرائم رایانه ای پیش بینی شده بود.

بخش اول : مفهوم حقوقی مسئولیت

مسئولیت در اصطلاح حقوقی به معنای تعهد قانونی شخص است به دفع ضرر از دیگری که وی به او وارد آورد خواه این ضرر ناشی از فعل خود او باشد یا از فعالیت او ایجاد شده باشد. در فقه و حقوق اسلامی به جای واژه مسئولیت، لفظ «ضمان» در همین معنا به کار می رود و اعم از مسئولیت مدنی و کیفری است. همچنین در تعریف حقوقی مسئولیت می توان گفت تعهد قانونی شخص بر رفع ضرری که به دیگری وارد کرده است، خواه این ضرر ناشی از تقصیر خود وی باشد یا ناشی از فعالیت او

باشد.^۱ سوالی که مطرح است این که آیا دو مفهوم تعهد و مسئولیت دو تعبیر مختلف از یک ماهیت اند یا بین آن دو فرق است؟ آیا تعهد با مسئولیت مترادف است؟ هر چند تعهد و مسئولیت در زمینه های بسیاری باهم مرتبط اند به طوری که می توان گفت منشاء بسیاری از مسئولیت ها، تعهد می باشد به عبارت دیگر نقض تعهد باعث ایجاد مسئولیت می شود از این رو، ریشه مسئولیت های قراردادی را باید در نقض تعهد جستجو کرد ولی گاهی منشاء برخی از مسئولیت ها تعهد نمی باشد و ماهیت آن مسئولیت قهری می شود. به همین دلیل میان تعهد و مسئولیت اشتراکات و تمایزاتی وجود دارد. هر چند در تعهد، اغلب مسئولیت به انجام کار یا عدم انجام کار وجود دارد و در مسئولیت ها نیز تعهد به جبران خسارت وجود دارد؛ اما تعهد یا دین با مسئولیت متمایز است^۲ تفاوت از آنجا آشکار می شود که گاهی علیرغم وجود تعهد، مسئولیتی بر پرداخت وجود ندارد و گاهی برعکس؛ مسئولیت در پرداخت وجود دارد هر چند تعهد یا دینی وجود نداشته است. ماده ۲۶۶ ق.م.م.ا^۳ مثالی است برای تعهد بدون مسئولیت پرداخت و مسئولیت ظهرونیسانی که بدهکار نیستند در مقابل دارندگان اسناد تجاری و یا مسئولیت تضامنی غاصبانی که مال مغضوب در ید آنها تلف نشده است در برابر مالک؛ مثال هایی است برای مسئولیت بدون تعهد.^۴ البته در جایی که مسئول پرداخت، دین و تعهدی نداشته است؛ مقدار پرداختی از کیسه او نمی رود و حق دارد از مدیون اصلی؛ مبلغ را مطالبه کند.^۵ اما به هر حال مسئولیت به پرداخت با تعهد به پرداخت متفاوت است و به تبع همین امر تعهد قراردادی نیز با مسئولیت قراردادی یکسان نیست. تعهد قراردادی مستقیماً ناشی از قرارداد است و «تعهد اصلی» نامیده می شود^۶ ولی مسئولیت قراردادی التزام دیگری است که در نتیجه عهدشکنی بوجود می آید و منبع مستقیم آن «عدم اجرای عقد» است. مسئولیت قراردادی و التزام به جبران خسارت طلبکار قراردادی، دنباله و بدل تعهد اصلی هم نیست، بلکه ضمانتی است که در اثر تقصیر متعهد و عهدشکنی او بوجود می آید و انتساب آن به

۱- جعفری لنگرودی، محمد جعفر. ۱۳۸۴. ترمینولوژی حقوق، چاپ پانزدهم، تهران: انتشارات گنج دانش، ص ۶۴۳

۲- یزدانیان، علیرضا، پیشین، ص ۲۷

۳- ماده ۲۶۶: در مورد تعهداتی که برای متعهد له، قانوناً حق مطالبه نمی باشد اگر متعهد به میل خود آن را ایفاء نماید دعوی استرداد او مسموع نخواهد بود.

۴- داراب پور، مهتاب. ۱۳۸۷. مسئولیت های خارج از قرارداد، چاپ اول، تهران: انتشارات مجد، ص ۴۶

۵- کاتوزیان، ناصر. ۱۳۸۶. التزام های خارج از قرارداد، چاپ ششم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ص ۷۲

۶- کاتوزیان، ناصر. ۱۳۸۶. اعمال حقوقی قرارداد- ایقاع، چاپ دوازدهم، تهران: انتشارات شرکت سهامی انتشار، ص ۲۶۸

قرارداد بدین اعتبار است که مبنای تقصیر مسئول، نقض قرارداد او با زیان دیده است نه تکلیف عمومی مربوط به خودداری از اضرار به دیگری. بنابراین مسئولیت قراردادی را نباید با مسایل مربوط به اجرای عقد مخلوط کرد.^۱

بخش دوم: تعریف مسئولیت کیفری

به طور کلی باید گفت الزام شخص به پاسخگویی در قبال تعرض به دیگران، خواه به جهت حمایت از حقوق فردی صورت گیرد و خواه به منظور دفاع از جامعه، تحت عنوان «مسئولیت کیفری» یا «مسئولیت جزایی» مطرح می شود. با این وجود، در هیچ یک از قوانین جزایی چه در گذشته و چه در حال حاضر، ماهیت حقوقی و تعریف مسئولیت کیفری به طور مشخص بیان نشده است. به هر حال، مسئولیت کیفری نوعی الزام شخصی به پاسخگویی آثار و نتایج نامطلوب پدیده جزایی یا جرم است. از دیدگاه کیفری، ارتکاب جرم یا هر نوع تخطی از قوانین و مقررات جزایی به تنهایی و به خودی خود موجب مسئولیت کیفری نیست، بلکه برای این که مرتکب جرم را از نظر اخلاقی و اجتماعی مسئول و قابل سرزنش و مجازات بدانیم لازم است که شرایطی با هم جمع شوند که عبارتند از: اول: وقوع رفتار مجرمانه که از میل و اراده آگاهانه مرتکب آن نشأت گرفته باشد و نحوه پندار، کردار و جریان تصمیم گیری او را مشخص کند. دوم: عمل مجرمانه ای که با اندیشه، قصد و میل مرتکب، در عالم خارج تحقق یافته است باید حاکی از سوءنیت مرتکب یا ناشی از خبط و خطای او باشد. سوم: برای این که مرتکب جرم را مسئول بشناسیم، علاوه بر اراده ارتکاب و سوءنیت یا تقصیر جزایی، باید بین جرم انجام یافته و فاعل آن، قابلیت انتساب موجود باشد.

به طور کلی، هر کسی که با علم و اطلاع دست به ارتکاب جرم می زند لزوماً مسئول شناخته نمی شود، بلکه علاوه بر تحقق اراده ارتکاب و سوءنیت یا تقصیر جزایی، باید دارای اهلیت و خصوصیات فردی متعارفی باشد تا بتوان وقوع جرم را به او نسبت داد. در نتیجه، وقتی انسان از نظر کیفری مسئول شناخته می شود که مسبب حادثه ای باشد؛ یعنی بتوان آن حادثه را به او نسبت داد. پس مسئولیت کیفری، محصول نسبت دادن و قابلیت انتساب است. مقصود از قابلیت انتساب آن است که بر مقامات قضایی

۱- کاتوزیان، ناصر. ۱۳۸۰. قواعد عمومی قراردادها، جلد چهارم، چاپ سوم، تهران: انتشارات شرکت سهامی انتشار،

معلوم شود که فاعل جرم، از نظر رشد جسمی، عقلی و نیروی اراده و اختیار، دارای آن چنان اهلیتی است که می‌توان رابطه علّیت بین جرم انجام یافته و عامل آن برقرار کرد. در حقیقت مسئولیت کیفری از نتایج مستقیم انتساب جرم به فاعل آن احراز می‌شود و از این جهت به طور مختصر می‌توان گفت مسئولیت کیفری قابلیت انتساب و اسناد عمل مجرمانه است.

بخش سوم: تعریف شخص حقوقی

شخصیت یک نوع وصف و شایستگی برای دارا شدن حقوق و تکالیف است و شخص حقوقی دارای صلاحیت و قابلیت است که شارع و مقنن در مقابل شخص حقیقی برای او فرض و مقرر داشته تا بتواند صاحب حقوق و تکالیف گردد به عبارت دیگر می‌توان گفت قانون اهلیت مدنی را برای اشخاص حقیقی و اصطلاح شخصیت حقوقی را برای اشخاص حقوقی وضع نموده یا به کار برده است. هر شخص حقوقی دارای اراده مخصوص به خود می‌باشد که مجزا از اراده افراد آن است و برای آنکه بتواند از اراده خود استفاده کند باید از حمایت قانون بهره‌مند شود. ممکن است اراده و تصمیم فردی اعضای اداره کننده یا تشکیل دهنده آن شخص حقوقی باشد مثلاً وقتی یک موسسه یا یک شرکت تصمیم می‌گیرد یکی از کارخانه‌هایش را تعطیل کند گرچه این تصمیم توسط اشخاص حقیقی که صاحب اراده هستند اتخاذ شده ولی این تصمیم را به موسسه یا شرکتی که یک شخص حقوقی است نسبت می‌دهند، به بیان دیگر آنچه به عنوان اراده شخص حقوقی شرکت‌ها یا مؤسسات گفته می‌شود در واقع همان اراده کنندگان سازمان (شخص) حقوقی است که برطبق مقررات و اساسنامه مربوط به گروه، صلاحیت دارند که به نام شخص حقوقی تصمیم گیرند. در این رابطه ماده ۵۸۹ قانون تجارت مقرر می‌دارد: «تصمیمات شخص حقوقی به وسیله مقاماتی که به موجب قانون یا اساسنامه صلاحیت اتخاذ تصمیم دارند گرفته می‌شود».^۱ شخصیت حقوقی یا شخصیت به اختصار یعنی صلاحیت دارا شدن حقوق و تکالیف و نیز صلاحیت اجرای آنها. مطابق ماده ۵۸۸ ق.ت: «شخص حقوقی می‌تواند دارای کلیه حقوق و تکالیفی شود که قانون برای افراد قائل است مگر حقوق و وظایفی که بالطبع فقط انسان ممکن است دارای آن باشد مانند حقوق و وظایف ابوت و بنوت و امثال آن.» مثلاً وقتی

۱- شریف، علی. ۱۳۹۰. انتساب مسئولیت کیفری به اشخاص حقوقی و نهادهای دولتی، مجله کانون وکلای دادگستری مرکز، شماره ۲۱۲، صص ۲۱۷-۲۱۶

می‌گوییم فلان شخص دارای شخصیت حقوقی است منظور این است که شخص صلاحیت و توانایی آن را دارد که در اجتماع دارای حقوقی شود و بتواند آن را اجرا کند یا طرف تکلیف قرار گیرد.

بند اول: سابقه شخصیت حقوقی در ایران

با توجه به ارتباط فرهنگ و حقوق این مرز و بوم با اسلام و حضور فقیهان و آشنایان با اسلام همچون مرحوم مدرس از اولین ادوار قانونگذاری در مجالس مقننه کشور می‌توان گفت که آشنایی با مفهوم شخصیت حقوقی و قبول این فکر از گذشته در نظام حقوقی ما وجود داشته است. اگر چه در فقه بابی را تحت عنوان شخصیت حقوقی نمی‌یابیم ولی فقهای ما برای عناوین و موضوعاتی مثل حکومت حاکم، موقوفات، بیت‌المال، وجوهات شرعیه و موضوعاتی از این قبیل آثار و نتایجی قائل بودند که بی تشبیه به اشخاص حقوقی عصر فعلی نمی‌باشد.

بر این اساس با مراجعه به قوانین مصوب کشورمان درمی‌یابیم که نخستین بار عنوان شخصیت حقوقی در قانون تجارت مصوب ۱۳۰۴ مطرح شد و بعد به موجب قانون تجارت ۱۳۱۱ نظامات و قواعد و احکام و آثار قانونی آن بیان شد. گرچه سابقه تدوین قوانین و یا آراء قضایی در ایران دارای قدمت زیادی نیست ولی به لحاظ ابتناء بسیاری از روابط اجتماعی در طول تاریخ بر مبنای فقه و حقوق اسلامی می‌توان شخصیت حقوقی و مسئولیت آن را به گونه‌ای برداشت نمود. مثلاً مسئولیت هویت جمعی فراتر از اعضاء آن نظیر قوم و ملت از یکسو و مسئولیت فردی از سوی دیگر به چشم می‌خورد. قوانین ایران حاوی تعریفی برای اصطلاح اشخاص حقوقی و طبیعتاً جرائم و مسئولیت کیفری آنان نمی‌باشند. اصطلاح مذکور برای اولین بار در قانون تجارت مصوب ۱۳۰۴ به کار گرفته شد. قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱ به تدوین قواعد و نظامات آن پرداخت. این واژه در مواد ۱۳۳۵ و ۱۰۰۲ جلد دوم قانون مدنی نیز مورد اشاره قرار گرفته است. اما علی‌رغم عدم ارائه تعریف برای شخصیت حقوقی در قوانین ایران، با استفاده از منابع مختلف و مقایسه مواد قانونی مرتبط در این زمینه، می‌توان به یک جمع‌بندی در خصوص تعریف اشخاص حقوقی دست یافت. قواعد و مبانی علم حقوق، «شخصیت» را قابلیت و اهلیت برخوردار از حقوق و تکالیف و اعمال آن‌ها، و دارندگان اصلی آن‌ها را اشخاص حقیقی قلمداد می‌نماید. اصطلاح اشخاص حقوقی برای بیان جایگاه و وضعیت شرکت‌ها، نهادها، انجمن‌ها، مؤسسات، جمعیت‌ها، اصناف و... و حقوق و تکالیف قانون ویژه آن‌ها به عنوان یک پدیده

تأسیسی و متمایز از حقوق و تکالیف مؤسسين آن، در برابر اشخاص حقیقی ایجاد شده است. بدین ترتیب نهادهای مذکور می‌توانند (غیر از مواردی که مختص اشخاص حقیقی است مانند زوجیت، ابوت، رأی دادن، تصدی مناصب عمومی و...) از حقوق و تکالیف قانون برخوردار شوند.^۱ به عنوان مثال، ماده ۵۵۸ قانون تجارت به بیان این موضوع پرداخته است: «شخص حقوقی می‌تواند دارای کلیه حقوق و تکالیفی شود که قانون برای افراد قائل است مگر حقوق و وظایفی که بالطبع فقط انسان می‌تواند دارای آن باشد مانند حقوق و وظایف ابوت و بنوت و امثال ذلک».^۲

بنابراین در خصوص سابقه کیفری اشخاص حقوقی در ایران باید گفت که نخستین بار عنوان شخصیت حقوقی در قانون تجارت مصوب ۱۳۰۴ مطرح شد و بعد به موجب قانون تجارت ۱۳۱۱ نظامات و قواعد و احکام و آثار قانونی آن بیان شد.

بند دوم: ماهیت اشخاص حقوقی

در خصوص ماهیت اشخاص حقوقی، اختلاف نظر وجود دارد. منشأ این اختلاف نظر مربوط می‌شود به تفاوت دیدگاه دانشمندان علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی در خصوص این مسأله که آیا جامعه و جمع، مرکب حقیقی است یا اعتباری، و به عبارت دیگر، جامعه و جمع وجود اصیل و عینی دارد یا وجود اعتباری و انتزاعی. بر همین اساس در خصوص ماهیت اشخاص حقوقی نیز دو فرضیه وجود دارد؛ یکی، نظریه فرضی بودن اشخاص حقوقی و دیگری نظریه واقعی بودن اشخاص حقوقی.^۳ شناخت ماهیت شخص حقوقی در مسئول دانستن آن مؤثر است. حقوقدانانی که وجود شخص حقوقی را انکار کرده‌اند، نمی‌توانند برای شخص حقوقی مسئولیت فرض کنند. امروز به دلیل اهمیت و توسعه وجود شخص حقوقی در زندگی اجتماعی، نظریه انکار شخص حقوقی؛ دیگر طرفدار چندانی ندارد. طرف‌داران وجود شخص حقوقی نیز به دسته‌های متعدد تقسیم می‌شوند: برخی وجود فرضی و

۱- اردبیلی، محمدعلی. ۱۳۷۷. حقوق جزای عمومی، جلد دوم، چاپ اول، تهران: انتشارات میزان، ص ۲۰.

۲- محسنی، فرید. ۱۳۸۹. تحولات مسئولیت کیفری شرکت‌ها (از نظر تا عمل)، دیدگاه‌های حقوقی، سال پانزدهم، شماره‌های ۵۱ و ۵۲، صص ۲۳-۲۲.

۳- نمایان، پیمان. ۱۳۸۶. سیاست تقنینی ایران در قبال مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی، ماهنامه شماره ۶۶، سال یازدهم، ص ۳۳.

مجازی برای آن قائل هستند که برای تسهیل امور زندگی لازم و ضروری است، و گرنه نمی‌تواند همانند اشخاص طبیعی، دارای حق و تکلیف باشد و بعضی هم آن را دارای وجود واقعی و حقیقی دانسته‌اند، منتها واقعیتی فنی که مربوط به تفکیک حقوق است و برخی واقعیت‌های جامعه‌شناسی و روان‌شناسی نیز آن را تأیید می‌کند.^۱ البته از مجموع این نظریات، واقعیت فنی با نظریه ارگانیک بهتر می‌تواند مسئولیت‌های اشخاص حقوقی را توجیه کند. طرفداران وجود فرضی، دخالت گسترده دولت را پذیرفته‌اند، ولیکن طرف‌داران وجود واقعی، دخالت معتدل و متناسب دولت را می‌پذیرفتند؛ چنان که برخی استادان گفته‌اند:

در وجود واقعی (شخصی حقوقی)، نباید تردید نمود، اما این واقعیت را هم نباید از یاد برد که عالم حقوق؛ عالم اعتبار است. منشأ اعتبار، خواه اراده قانون‌گذار، خواه اراده جمعی با تکنیک حقوقی باشد، وجود شخص حقوقی از حد واقعیت اعتباری فراتر نخواهد رفت و به واقعیت عینی و خارجی مبدل نخواهد شد. دولت همواره در مقام اعمال حاکمیت در شناسایی و تعیین وظایف و اختیارات و حدود فعالیت اشخاص حقوقی مداخله می‌کند.^۲ این نحوه از وجود برای اشخاص حقوقی منافاتی با دیدگاه فقهی ندارد و بلکه، فقها وجود شخصیت حقوقی را وجود واقعی اعتباری - همانند وجود اعتباری مالکیت و زوجیت و ... - می‌دانند.

هرگاه شخص به حکم قانون به وجود آید و وجودی مستقل از وجود اعضای آن برای وی فرض شود، قطعاً آثار حقوقی نیز در پی خواهد داشت؛ این آثار اهداف تشکیل اشخاص حقوقی‌اند. مهم‌ترین اثر وجود شخص حقوقی این است که او می‌تواند واجد حق و تکلیف گردد. به این دلیل، حق و تکلیف شخصیت بسته به اراده و هدف تشکیل‌دهندگان آن در نوسان است. شخصیت حقوقی دولت که بزرگ‌ترین شخص حقوقی است، می‌تواند واجد همه نوع حق و تکلیف شود، مگر حق و تکلیف خاص انسان مثل ابوت و بنوت. اما در مورد اشخاص حقوقی حقوق خصوصی که به منظور اهداف خاص تشکیل می‌شود، اهلیت دارا شدن حق و تکلیف آنها علاوه بر محدودیت حقوقی که خاص

۱- ر.ک: ابوالحمد، عبدالحمید. ۱۳۷۳. مبانی علم سیاست، تهران: انتشارات توس، ص ۵۴۷.

۲- مؤتمنی طباطبایی، منوچهر. ۱۳۸۵. حقوق اداری، تهران: انتشارات سمت، ص ۲۳۱.

انسان است، محدود به اساسنامه آنها نیز هست. این موضوع در قوانین نیز انعکاس یافته است.^۱

بخش چهارم: دلایل عدم پذیرش مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی

در این بخش به بررسی دلایل عدم پذیرش مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی با توجه به دلایلی از قبیل عدم اراده اشخاص حقوقی، نقض اصل شخصی بودن مجازات‌ها، عدم امکان نیل به اهداف مجازات‌ها، عدم امکان ارتکاب جرم به طور مطلق توسط شخص حقوقی، عدم امکان اعمال بسیاری از مجازات‌ها بر اشخاص حقوقی و عدم امکان احضار جلب و بازداشت شخص حقوقی پرداخته شده است

بند اول: عدم اراده اشخاص حقوقی

این اشکال مهم‌ترین ایراد در مخالفت با پذیرش مسئولیت کیفری برای اشخاص حقوقی است و در اینجا ابتدا به بیان اشکال از زوایای مختلف و تشریح آن و سپس به تحلیل و نقد آن می‌پردازیم. به نظر مخالفان، چون اشخاص حقوقی فاقد اراده مستقل از اعضا و مدیران خود هستند بنابراین انتساب فعل به اراده آنها ممکن نیست و در نتیجه ارتکاب جرم توسط آنها غیرممکن است، زیرا تحقق جرم منوط به تحقق ارکان تشکیل دهنده آن است و یکی از این ارکان، عنصر معنوی جرم است؛ یعنی آنکه جرم با قصد مجرمانه و یا خطای جزایی ارتکاب یافته باشد و گرنه صرف وقوع عمل مجرمانه دلیل بر تحقق عنصر معنوی نیست بلکه تحقق عنصر معنوی مستلزم وجود اراده مستقل و آزاد است و اشخاص حقوقی چون اراده‌ای مستقل از اعضای خود ندارند که بتوانند نقض قانون را اراده کنند، لذا ارتکاب جرم قابل انتساب به آنان نیست. از طرفی، اراده ابتدا در اثر آگاهی یافتن از شیء یا امری و سپس انگیزش نسبت به جلب منفعت یا دفع ضرر پدید می‌آید و این هر دو نیز در اشخاص حقوقی امکان ندارد. آگاهی و علم از مقولاتی است که تنها در اشخاص حقیقی رخ می‌دهد و نمی‌توان آن را به اشخاص حقوقی نسبت داد. علاوه بر آن، فرض انگیزه در اشخاص حقوقی منتفی است و تنها اشخاص حقیقی هستند که دارای انگیزه و هیجان می‌شوند و اینها اموری نیست که بتوان به اشخاص حقوقی نسبت داده شود. از طرفی به نظر مخالفان، پذیرش مسئولیت کیفری برای اشخاص حقوقی و اسناد جرم ارتكابی به آنها، می‌تواند به مفهوم سیر قهقرایی در عده‌ای فقدان اراده مستقل در اشخاص حقوقی را با

۱- شفایی، عبدالله. ۱۳۸۷. درآمدی بر مسئولیت مدنی اشخاص حقوقی، نشریه فقه و اصول، سال پانزدهم، شماره پنجاه و پنجم، ص ۱۳۸.

نظریه تخیلی و فرضی بودن اشخاص حقوقی منطبق دانسته‌اند،^۱ در حالی که برخی دیگر از مخالفان پذیرش مسئولیت کیفری معتقدند که چه اشخاص حقوقی را واقعی بدانیم و چه فرضی، در هر صورت نمی‌توانند قصد و اراده مستقل از قصد و اراده افراد خود داشته باشند.^۲

این اشکال قابل تحلیل به چند نکته اصلی است:

فقدان انگیزه و تمایلات و اراده مستقل از اعضا در اشخاص حقوقی، عدم تحقق مسئولیت اخلاقی برای اشخاص حقوقی؛ عدم تحقق عنصر معنوی جرم به دلیل فقدان موارد فوق در خصوص فقدان انگیزه و تمایلات مستقل از اعضا در اشخاص حقوقی، باید گفت که در اثر تجمع گرایشها و تمالات افراد و فعل و انفعال بین آنها، همواره تمایلات و گرایش‌های مشترکی پدید می‌آید که جمع به سوی آن تمایل پیدا می‌کند هر چند که اتفاقاً ممکن است با تمایلات هیچیک از اعضای جمع انطباق کامل نداشته باشد. بلکه حتی گاهی تمایلات جمع موجب پیدایش انگیزه‌هایی نو در افراد عضو می‌شود و در این صورت این فرد است که انگیزه‌ها و تمایلات خود را منطبق با گرایش‌ها و علائق جمع سامان می‌دهد.

بند دوم: نقض اصل شخصی بودن مجازات‌ها

به موجب اصل شخصی بودن مجازات‌ها اگر فردی مرتکب فعل مجرمانه شود تنها خود اوست که باید مجازات آن فعل را تحمل نماید. مجازات سایر افراد در اثر ارتکاب فعل توسط دیگری با منطق حقوقی، انصاف و تعالیم دینی ناسازگار است. اصل شخصی بودن مجازات‌ها از اصول مهم مکتب کلاسیک است که نقطه عطفی در تاریخ حقوق کیفری اروپا محسوب می‌شود. هرچند تا پیش از آن در اروپا ممکن بود دیگران نظیر اعضای خانواده مجرم نیز مشمول مجازات شوند. در تکمیل این اشکال می‌توان افزود که در شریعت اسلام نیز همچنانکه در آیه شریفه آمده است: «لاتزر وازره وزر اخرا»^۳ مجازات به طور اصولی صرفاً به شخص مجرم توجه می‌یابد و مجازات افراد خانواده یا قبیله مجرم پذیرفته نیست. اکنون چگونه می‌توان به عقب بازگشت و نقض این اصل را پذیرفت.

۱- علی آبادی، عبدالحسین. ۱۳۷۳. حقوق جنایی، جلد اول، چاپ سوم، تهران: انتشارات فردوسی، ص ۱۳۶.

۲- صانعی، پرویز. ۱۳۷۳. حقوق جزای عمومی، جلد دوم، چاپ پنجم، تهران: کتابخانه گنج دانش، ص ۱۱۶.

۳- قرآن کریم، سوره انعام، آیه ۱۶۴.

بند سوم : عدم امکان نیل به اهداف مجازات ها

اصولاً اعمال مجازات بر مجرمان چند هدف را تعقیب می کند: الف: هدف اخلاقی: سزادهی مجرم بر پایه عدالت و استحقاق مجازات ناشی از فعل مجرمانه؛ ب: هدف پیشگیری: ارعاب و بازداشتن مجرم و نیز دیگران از ارتکاب جرم؛ ج: هدف اصلاحی: بازگرداندن مجرم به حالت سلامت و اصلاح حال او.

به نظر مخالفان با اعمال مجازات بر اشخاص حقوقی نمی توان به هیچ یک از این اهداف نیل شد، چرا که در حقیقت این اشخاص حقیقی عضو آن هستند که مرتکب جرم می شوند و تحمیل مجازات بر شخص حقوقی تأثیری در ارعاب یا اصلاح حال مدیر یا کارکنان خاطی عضو شخص حقوقی که مجرمان اصلی هستند ندارد؛ زیرا آنها در پناه اعمال مجازات بر شخص حقوقی از تحمل مجازات مصون می مانند. حتی اگر ادعا شود که جریمه اشخاص حقوقی، مدیران و نمایندگان آنها را وادار به دقت بیشتر در رفتار خود و نظارت بر کارکنان می نماید باید پذیرفت که اگر این مجازات مستقیماً بر افراد خاطی اعمال می شد اثر مستقیم و بیشتری در تقبیح رفتار آنها و بازداشتن از تکرار آن می داشت.

اما عدم دستیابی به هدف اخلاقی یا اجراء عدالت بدین دلیل است که مجازات اشخاص حقیقی معمولاً با اعمال جزای نقدی صورت می گیرد، که شدت واکنش جامعه و تقبیح جرم را نمی رساند و نه تنها موجب سزادهی نیست بلکه باعث این گمان می شود که با پرداخت پول می توان برخی جرائم را مرتکب شد.

بند چهارم : عدم امکان ارتکاب جرم توسط شخص حقوقی

به موجب اصل اختصاص که بر اشخاص حقوقی حاکم است، اصولاً اشخاص حقوقی برای اهداف خاص تأسیس می شوند و موضوع فعالیت آنها معین است و اعتبار و شخصیت آنان برای فعالیت در حدودی است که برای آنها تعیین شده است و یقیناً این شخصیت صرفاً برای موضوعات و فعالیت های مشروع به رسمیت شناخته شده است. اصولاً شناسایی یک شخصیت حقوقی مستلزم آن است که هدف

۱- گاستون استفانی، ژرژ لواسور و برنار بولوک. ۱۳۷۷. حقوق جزای عمومی، ترجمه حسن دادبان، جلد دوم، چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی، ص ۵۹۸؛ اردبیلی، محمدعلی. ۱۳۸۴. حقوق جزای عمومی، جلد دوم، چاپ هشتم، تهران: انتشارات میزان، ص ۱۲۸.

و موضوع تشکل مشروع بوده مغایر قانون نباشد، بنابراین اگر موضوع تشکل، فعالیت مجرمانه و بزهکاری نظیر قاچاق مواد مخدر، سرقت و ترور باشد، اصلاً به رسمیت شناخته نمی‌شوند و اگر هدف و موضوع آنها فعالیت‌های مشروع باشد پس اصلاً قادر به ارتکاب عمل خلاف نیستند. اشخاص حقوقی باید در حدود هدف فعالیت کنند نه خارج از آن^۱، بنابراین در هنگام ارتکاب جرم دارای شخصیت حقوقی نیستند زیرا در هنگام ارتکاب جرم از صلاحیت اعطا شده به آنها تجاوز کرده‌اند و خارج از حیطه صلاحیت خود عمل نموده‌اند. و خلاصه کلام آنکه، مقنن و مقامات دولتی نمی‌توانند یک شخصیت قادر به نقض حقوق خلق کنند و این برخلاف اشخاص حقیقی و انسان‌ها است که خداوند آنها را قادر بر صواب و گناه خلق کرده است.

بند پنجم : عدم امکان اعمال بسیاری از مجازات ها بر اشخاص حقوقی

بسیاری از مجازات‌های پیش‌بینی شده در قوانین جزائی قابل اعمال بر اشخاص حقوقی نیستند. مثلاً اعدام با هیچیک از روش‌ها نظیر تیرباران، به دار آویختن، صندلی الکتریکی یا اتاق گاز بر اشخاص حقوقی قابل اجرا نیست. همچنین نمی‌توان مجازات‌های سالب آزادی را بر اشخاص حقوقی اعمال کرد و به حبس یا تبعید محکوم نمود. مجازات‌های دیگری نظیر شلاق و قصاص عضو نیز در مورد آنها قابلیت اعمال ندارد. لذا مسؤول دانستن اشخاص حقوقی به لحاظ کیفری در بسیاری موارد منتهی به محکومیت و اجراء مجازات نمی‌شود عنصر مادی برخی از جرائم به گونه‌ای است که اصولاً اشخاص حقوقی قادر به انجام آنها نیستند. مثلاً جرائم جنسی، سوگند، شهادت کذب، نوشیدن شراب و استعمال مواد مخدر قابل ارتکاب توسط اشخاص حقوقی نیستند. این جرائم همگی صرفاً با جسم انسان قابلیت ارتکاب می‌یابند و اشخاص حقوقی چون فاقد جسم هستند پس قادر به ارتکاب این جرائم نیستند پس در شمول بسیاری از قواعد و مقررات کیفری در نمی‌آیند و بدین ترتیب مسؤول شناختن اشخاص حقوقی باعث می‌شود موضوع جدیدی غیر از فعل و ترک فعل انسان به حقوق جزا افزوده شود در حالی که از شمول بخش عمده‌ای از این نظام حقوقی مستثنا است. ولی در برابر این نظر می‌توان عنوان نمود که اشخاص حقوقی همچون افراد انسان تنها در حدودی که قابلیت ارتکاب رفتارهای مجرمانه داشته باشند مسؤول شناخته می‌شوند.

بند ششم: عدم امکان احضار، جلب و یا بازداشت اشخاص حقوقی

اشخاص حقوقی را نمی‌توان جلب و بازداشت کرد. حتی آنها را نمی‌توان احضار کرد و مورد بازجویی قرار داد. آنها نیز نمی‌توانند جهت دفاع از خود حاضر شوند پس نمی‌توان تحقیقات مقدماتی را راجع به ایشان انجام داد. با عدم امکان تحقیقات مقدماتی محاکمه آنها نیز ممکن نیست. در پاسخ به این اشکال می‌توان گفت بازجویی از اشخاص حقوقی از طریق احضار و بازجویی نمایندگان و یا سؤالات کتبی و دریافت پاسخ‌های کتبی با امضاهای مجاز صورت می‌پذیرد. همچنین آنها می‌توانند در دفاع از خود لایحه تنظیم و ارائه نمایند و عملاً به نظر نمی‌رسد هیچ مشکلی از این باب وجود داشته باشد و تجربه عملی کشورهایی که مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی را پذیرفته‌اند نیز مؤید همین معناست.

بخش پنجم: دلایل پذیرش مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی

در این بخش به بررسی دلایل پذیرش مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی پرداخته شده است.

بند اول: ضرورت پذیرش واقعیات جرم شناختی و تامین مصالح جامعه

بدون تردید امروزه با قدرت یافتن اشخاص حقوقی، رفتار آنها می‌تواند تأثیر بسیار بر شئون مختلف اجتماعی بگذارد. تصمیمات یک حزب سیاسی می‌تواند در شکل‌گیری رفتارهای سیاسی جامعه، ایجاد آرامش یا پیدایش بحران و حتی سرنوشت کشور تأثیرگذار باشد. رفتارهای شرکت‌های تولیدی و خدماتی می‌تواند در رونق اقتصادی و رفاه جامعه و حفظ محیط زیست و یا در سقوط اقتصاد و در تنگنا قرار دادن جامعه مؤثر باشد.^۱ مؤسسات فرهنگی، هنری و خبری نیز می‌توانند در اعتلای فرهنگی و تعالی ارزش‌های اجتماعی و برقراری نشاط و امیدواری و یا انحطاط اخلاقی و فرهنگی و برقراری روحیه یأس و دلسردی مؤثر باشند. نادیده انگاشتن قدرت تأثیرگذاری این واقعیات، در واقع نادیده گرفتن بخش عمده‌ای از خطراتی است که جامعه را تهدید می‌کند. از طرفی قدرت و وسعت معدودی از شرکت‌ها و مؤسسات بزرگ تا آنجا پیش رفته است که با قدرت و وسعت معدودی از شرکت‌ها و

۱- مؤسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی شهر دانش، ۱۳۸۶. مجله پژوهشهای حقوقی، سال ششم، شماره ۱۱، بهار و تابستان، ص ۴۸.

مؤسسات بزرگ تا آنجا پیش رفته است که با قدرت دولت‌ها قابل قیاس است و می‌تواند در سرنوشت سیاسی یا اقتصادی جوامع اثرگذار باشند و درآمد و توان اقتصادی آنها حتی از درآمد برخی دولتها بیشتر است. قدرت تعدادی از رسانه‌های خبری خصوصی به قدری در سطح جهان رو به افزایش گذاشته است که حتی وقوع بعضی از جنگهای اخیر را ناشی از فشارهای اجتماعی پدید آمده در اثر امواج خبری و تبلیغاتی این مؤسسات تحلیل می‌کنند. جمعیت کارکنان برخی از شرکتها بسیار زیاد است و تنش در وضعیت استخدامی و روابط کارکنان با کارفرما می‌تواند آثار وسیع اجتماعی و اقتصادی داشته باشد. از طرف دیگر جمعیت کثیر و روزافزون شرکتها و مؤسسات خرد و متوسط سهم بزرگی از اقتصاد کشورها را به خود اختصاص داده است. چشم بستن بر خطرات رفتارهای این اشخاص و صرفاً مشغول شدن به خطرات ناشی از رفتار مجرمانه اشخاص حقیقی که دامنه آسیب اجتماعی آنها نوعاً کمتر از دامنه اختلالاتی است که رفتارهای مجرمانه اشخاص حقوقی می‌تواند در نظم اجتماعی پدید آورد، به معنای بی‌دفاع گذاشتن جامعه در برابر خطراتی جدی است و از همین روی است که سیاست دفاع اجتماعی اقتضا می‌کند که اشخاص حقوقی مسؤول شناخته شوند

بند دوم: مشکل شناسایی اشخاص حقیقی

اشخاص حقوقی نوعاً می‌توانند شخص خطا کار واقعی را در هزار توی خود پنهان سازند، بویژه هرچه بزرگتر باشند و بوروکراسی بیشتری داشته باشند این خاصیت در ایشان قوی‌تر است، لذا در اشخاص حقوقی قدرتمند، یافتن فردی که مجرم واقعی است غالباً کار دشواری است در حالی که خطر ورود آسیب‌های شدید از ناحیه اینگونه اشخاص حقوقی بیشتر است. این امر سبب می‌شود تا اشخاص حقوقی به عنوان سپر بلای مجرمان بویژه مجرمان یقه سفید مورد سوءاستفاده قرار گیرند. از همین روی، موافقان تنها راه جلوگیری از آنکه اشخاص حقوقی به پناهی برای مجرمان یقه سفید تبدیل شوند را پذیرش مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی می‌دانند. از طرف دیگر دستگاه قضایی به دنبال یافتن مجرم اصلی، مواجه با پیچ و خم درون شخص حقوقی نمی‌گردد و به یک تحقیقات دشوار و طولانی گرفتار نمی‌شود و با محکومیت شخص حقوقی تا حد زیادی به اهداف مجازات نائل می‌آید.^۱

بند سوم: تضمین سلامت رفتار اشخاص حقوقی

پذیرش مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی تنها طریقی است که موجب می‌شود سهامداران در انتخاب مدیران و مدیران در انتخاب نمایندگان و کارکنان دقت بیشتری به عمل آورند. اگر مسئولیت رفتار مجرمانه مدیران تنها متوجه خود ایشان باشد طبیعی است که هیچ دغدغه خاطری برای سهامداران در برابر خطاهای مدیران وجود ندارد و حداکثر نگرانی آنها به کاهش سود شرکت بازمی‌گردد و لازم نمی‌دانند در بند سلامت رفتار مدیران منصوب خویش باشند در حالی که اگر مسئولیت به شخص حقوقی نیز توجه یابد و سهامداران بدانند که اگر مدیر دست به رفتار ناصواب و قانون شکنی بزند آنان نیز به طور غیرمستقیم و به واسطه مجازات شرکت، خسارت خواهند دید. آنگاه علاوه بر آنه در انتخاب مدیر یا مدیران به توانایی‌های او برای دستیابی به سود بیشتر توجه دارند به شایستگی‌های او برای حفظ سلامت شرکت و رفتارهای قانونی نیز توجه خواهند نمود. همین امر عیناً ذر مواردی که مدیران به انتخاب مدیران میانی یا نمایندگان و کارکنان می‌پردازند نیز صادق است.

بدین ترتیب، با پذیرش مسئولیت کیفری برای اشخاص حقوقی تا حد زیادی از رفتارهای مجرمانه پیشگیری به عمل آید.

بند چهارم: کاستن از مجازات‌های سالب آزادی یا صدمه بدنی

عدم پذیرش مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی موجب می‌شود تا همه مجازات متوجه مدیران گردد و واضح است که مجازات مالی مدیران باید متناسب با توان آنها باشد که عمدتاً متناسب با شدت جرائم ارتكابی نیست و لذا در بسیاری موارد منتهی به اعمال مجازات‌های سالب آزادی یا صدمه بدنی بر مدیران و یا کارکنان اشخاص حقوقی می‌شود. بدین ترتیب، از منظر هزینه - فایده باید پذیرفت که با این روش، مدیران که معمولاً از افراد تحصیل کرده و با تجربه انتخاب می‌شوند به زندان افتاده و بخشی از توان فنی و مدیریتی اجتماع از فرایند فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی خارج می‌شود. اما در قبال این هزینه اجتماعی، فایده‌ای که عائد جامعه می‌شود به شرحی که قبلاً گذشت مصون ماندن از خطرات جرائم اشخاص حقوقی نیست زیرا چه بسا مدیر دیگری که به جای آنها برگزیده شود نیز در آن محیط و با آن شرایط ناگزیر از ادامه همان مسیر باشد. از طرفی، روشن است که اعمال مجازات‌های سالب آزادی علاوه بر هزینه‌هایی که برای دولت دارد باعث بدآموزی‌های درون زندان نیز می‌شود و اصولاً

اولین انتخاب قانونگذاری برای کیفر نیست. از این رو، پذیرش مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی تنها راهی است که باعث می‌شود تا با تحمیل مجازات بر اشخاص حقوقی تنها راهی است که باعث می‌شود تا با تحمیل مجازات بر اشخاص حقوقی که عمدتاً مالی است از موارد مجازات‌های سالب آزادی کاسته شود و در عین آنکه جامعه هزینه کمتری برای مجازات می‌پردازد فایده بیشتری به دست آورد.^۱

بند پنجم: جبران خسارات زیان دیدگان به نحو مناسب تر

جرائم اشخاص حقوقی با ورود زیان به نظم اجتماعی در زمینه‌های مختلفی از جمله حقوق مصرف کنندگان، محیط زیست، بهداشت عمومی و قوانین ضد انحصار همراه است و این خسارات معمولاً بسیار سنگین‌تر از آن هستند که جبران آنها در توان مدیر یا کارکنان خاطی باشد و ممکن است دارایی کافی برای جبران خسارت و جریمه نداشته باشند در حالی که دارایی خود شرکت از حیث وثیقه نسبت به دارایی مدیران مسؤول بیشتر قابل اطمینان است.

بخش ششم: نحوه تعیین مجازات برای اشخاص حقوقی در قانون مجازات اسلامی

شخص حقیقی فرد معینی است که می‌تواند موضوع حق و تکلیف قرار گیرد و دارای رگ و پوست و خون و عقل و قصد و اختیار است، اما شخص حقوقی فرد مشخصی با ویژگی‌های شخص حقیقی نیست هر چند او نیز می‌تواند موضوع حق و تکلیف باشد. انجمن‌ها، باشگاه‌های ورزشی، شرکتها و دولت از اشخاص حقوقی هستند، حسب اینکه در قلمرو حقوق عمومی مورد بحث قرار گیرند یا در قلمرو حقوق خصوصی واقع شوند.^۲

نحوه تعیین مجازات برای اشخاص حقوقی به دو صورت است؛ برخی قوانین مانند قانون جزای فرانسه هنگام تعیین مجازات هر جرم، مجازات اشخاص حقوقی را نیز جداگانه تعیین می‌کند مثلاً هنگام تعیین مجازات کلاهبرداری، ابتدا مجازات کلاهبرداری توسط اشخاص حقیقی را تعیین کرده و سپس مجازات کلاهبرداری توسط اشخاص حقوقی را بیان می‌کند. برخی قوانین مانند قانون مجازات

۱- مجله پژوهشهای حقوقی، همان، ص ۵۲.

۲- نوربها، رضا. ۱۳۸۴. زمینه‌های حقوق جزای عمومی، چاپ سیزدهم، تهران: نشر گنج دانش، ص ۳۳۴.

اسلامی، مجازات اشخاص حقوقی را به صورت کلی و در کتاب مربوط به قواعد عمومی حقوق جزا پیش‌بینی کرده‌اند.^۱ از ظاهر ماده ۲۰ قانون مجازات ۱۳۹۲ چنین استنباط می‌شود که شخص حقوقی تنها در صورتی قابل مجازات است که شخص حقیقی مرتکب جرم نیز مجازات شود چون مجازات شخص حقوقی را علاوه بر مجازات شخص حقیقی دانسته است. این ظاهر، منطقی نیست زیرا ممکن است شخص حقیقی به جهاتی فاقد مسئولیت باشد اما دلیلی ندارد که شخص حقوقی نیز مصون از تعقیب و مجازات بماند. به نظر می‌رسد قانون‌گذار، حالت غالب را در نظر دارد زیرا تعقیب اشخاص حقوقی معمولاً در حالتی است که نماینده شخص حقوقی که مرتکب جرم شده است تحت تعقیب قرار می‌گیرد و شخص حقوقی نیز به تبع آن تعقیب می‌شود. شخص حقوقی دارای شخصیت مستقلی است پس ارتکاب جرم از سوی نماینده وی، تعدد جرم نیست اما از مصادیق جرایم مرتبط است یعنی ممکن است مشمول عناوینی همچون معاونت و شرکت قرار گیرد. چنانچه ایراد وحدت قصد مطرح شود همان پاسخی داده می‌شود که نسبت به اصل مسئولیت شخص حقوقی وجود دارد زیرا اگر معاونت و شرکت به خاطر فقدان اراده شخص حقوقی ممکن نباشد پس اصل مسئولیت کیفری نیز با مشکل روبرو خواهد شد. چنانچه نماینده شخص حقوقی در محلی خارج از اقامتگاه شخص حقوقی مرتکب جرم شود مشکل صلاحیت مرجع رسیدگی مطرح می‌گردد و در این زمینه باید به قواعد جرایم مرتبط، مراجعه نمود. به عنوان مثال دادگاهی چه به جرم مباشر رسیدگی می‌کند باید به جرم معاون نیز رسیدگی کند و به هر حال هر دو جرم در یک مرجع، مورد رسیدگی قرار می‌گیرد زیرا مرتبط با یکدیگر هستند و در جرایم مرتبط از ملاک ماده ۱۰۳ قانون آیین دادرسی مدنی بهره گرفته می‌شود.^۲ این ماده مقتبس از ماده ۳۷-۱۳۱ قانون جزای فرانسه می‌باشد. در این ماده آمده است: «مجازات‌های جنایی با جنبه‌ای قابل اعمال بر اشخاص حقوقی عبارت است از: ۱- جزای نقدی؛ ۲- در مواردی که قانون پیش‌بینی کند مجازات‌های برشمرده شده در ماده ۳۹-۱۳۱. ماده ۳۹-۱۳۱ مقرر می‌دارد: در صورتی که قانون علیه یک شخص حقوقی، یک جنایت یا جنبه را پیش‌بینی کند ممکن است با یک یا چند مجازات زیر، مورد مجازات قرار گیرد: ۱- انحلال در صورتی که شخص حقوقی به وجود آمده باشد، زمانی که مرتکب یک جنایت یا جنبه‌ای شود که ارتکاب آن از سوی اشخاص

۱- زراعت، عباس. ۱۳۹۲. شرح مختصر قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲)، تهران: ققنوس، ص ۸۵

۲- همان، ص ۸۶

حقیقی مستلزم مجازات حداکثر پنج سال حبس باشد یا شخص حقوقی به وجود آمده باشد، زمانی که مرتکب یک جنایت یا جنحه‌ای شود که ارتکاب آن از سوی اشخاص حقیقی مستلزم مجازات حداکثر پنج سال حبس باشد یا شخص حقوقی از هدف خود برای ارتکاب اعمال مجرمانه، منحرف شده باشد؛ ۲- ممنوعیت برای همیشه یا برای یک دوره پنج ساله از انجام مستقیم و غیرمستقیم یک یا چند فعالیت شغلی یا اجتماعی؛ ۳- قرار گرفتن تحت نظارت قضایی برای یک دوره حداکثر پنج ساله؛ ۴- بستن دائمی یا حداکثر برای یک دوره پنج ساله مؤسسات یا یک یا چند مؤسسه از شرکت‌هایی که برای ارتکاب اعمال مجرمانه به کار گرفته شده‌اند؛ ۵- اخراج از معاملات عمومی برای همیشه یا برای یک دوره حداکثر پنج ساله؛ ۷- ممنوعیت برای حداکثر یک دوره پنج ساله از صدور چک‌ها مگر چک‌هایی که به صادرکننده اجازه می‌دهد موجود خود نزد بانک را مسترد کند یا چک‌های تأیید شده یا استفاده از کارت‌های پرداخت؛ ۸- مصادره چیزی که به کار گرفته شده یا موردنظر بوده است در ارتکاب جرم یا چیزی که از راه جرم به دست آمده است؛ ۹- اعلان رأی محکومیت یا انتشار آن از طریق مطبوعات یا از طریق هر وسیله ارتباط جمعی سمعی و بصری. مجازات‌های پیش‌بینی شده در بندهای یک تا سه این زیربخش قابل اعمال نیست بر اشخاص حقوقی عمومی که مسئولیت‌های کیفری آن‌ها پذیرفته شده است. این مجازات‌ها در مورد احزاب یا گروه‌های سیاسی و نیز سندیکاهای صنفی هم قابل اعمال نیست. مجازات پیش‌بینی شده در بند یک نسبت به مؤسسات نماینده اشخاص حقوقی قابل اعمال نیست.»

چنانچه از اعمال مجرمانه شخص حقوقی و یا ترک اعمال آنها خسارتی ایجاد شود طرح این خسارت من باب مسئولیت مدنی اشخاص حقوقی و مطالبه ضرر و زیان ناشی از جرم مشروط به احراز رابطه علیت بین خسارت و جرم بی‌اشکال است.^۱ براساس مقررات قوانین سابق عده‌ای معتقد بودند که «در موارد سکوت مقررات قانونی می‌توان گفت: «تنها اشخاص طبیعی که نماینده اشخاص حقوقی بوده و به نام آنها فعالیت می‌کنند (رئیس، مدیر، مدیرعامل، نماینده، مأمور و مستخدم) ممکن است مرتکب جرم شده و مسئولیت جزایی شخصی آنان مطرح شود، ولی خود شخص حقوقی نه می‌تواند مجرم شناخته شود و نه قابلیت تحمل کیفر را دارد»^۲ لیکن با تصویب قانون ۱۳۹۲، صراحتاً اشخاص حقوقی

۱ - همان، ص ۱۴۵

۲ - گلدوزیان، ایرج. ۱۳۸۵. بایسته‌های حقوق جزای عمومی، چاپ سیزدهم، تهران: نشر میزان، ص ۱۹۳.

نیز واجد مسئولیت شناخته شده‌اند. البته طبق صراحت این ماده اعمال مجازات برای اشخاص حقوقی مانع از مجازات شخص حقیقی نیست. در عین حال از نظر اعمال کیفر، به سهولت می‌توان تشخیص داد که [برخی] مجازات‌های مقرر به وسیله قانون برای اشخاص حقیقی (اعدام، مجازات‌های سالب آزادی و محدودکننده آزادی و شلاق) نسبت به اشخاص حقوقی غیرقابل اجراست. تنها اعمال مجازات‌های مالی (جزای نقدی و مصادره اموال) نسبت به اشخاص حقوقی امکان‌پذیر است، زیرا که قانوناً فرض دارائی برای آنها شده است. به علاوه مجازات‌های تعزیر و انحلال مؤسسه نیز در مورد اشخاص حقوقی می‌تواند جایگزین مجازات اعدام برای افراد حقیقی (طبیعی) تلقی شود. در حال حاضر جرائمی از قبیل کلاهبرداری، خیانت در امانت، نقص مقررات جزائی شرکت‌ها، احتکار، گرانفروشی و صدور چک غیرقابل پرداخت و غیره اغلب به وسیله اشخاص حقیقی به نمایندگی از اشخاص حقوقی ارتکاب می‌یابد و در صورتی که نمایندگان شرکت مقصر باشند منطقی و عادلانه است که با اجازه قانون در پناه شخصیت حقیقی آنان، خود شخص حقوقی که به نام و نمایندگی از طرف آن اقدام به عمل آمده مورد توجه قرار گیرد.^۱

بند اول: جزای نقدی اشخاص حقوقی

ماده ۲۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نیز از ماده ۳۸-۱۳۱ قانون جزای فرانسه اقتباس گردیده است؛ در این ماده مقرر می‌دارد: «حداکثر جزای نقدی قابل اعمال بر اشخاص حقوقی معادل پنج برابر مبلغی است که به وسیله قانون سرکوب‌کننده جرم برای اشخاص حقیقی پیش‌بینی شده است». جزای نقدی معمولاً در جرایم مالی مورد حکم قرار می‌گیرد و در پاره‌ای موارد به صورت نسبی تعیین می‌شود. مثلاً دو برابر مالی که از راه جرم به دست آمده است تعیین می‌گردد. حال چنانچه مال ناشی از جرم فقط به حساب نماینده شخص حقوقی با خود شخص حقوقی منظور گردد آیا حکم به جزای نقدی برای هر دو می‌شود؟ به عنوان مثال کارمند بانک از مشتریان ربا اخذ کرده و آن را به حساب شخص حقوقی واریز می‌کند. از ظاهر قانون چنین استنباط می‌شود که هر دو به جزای نقدی محکوم می‌شوند و هر مبلغی که برای کارمند مورد حکم قرار گیرد، شخص حقوقی نیز به دو تا چهار برابر آن محکوم می‌گردد.

تشدید جزای نقدی برای اشخاص حقوقی برای تأمین فایده‌دهی مجازات‌هاست، زیرا اشخاص حقوقی معمولاً متمول هستند و جزای نقدی اشخاص حقیقی موجب بازدارندگی آن‌ها نیست.^۱ پیش‌بینی مجازات‌های اشخاص حقوقی یکی از بارزترین دستاوردهای قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ می‌باشد. بعد از قانون جرایم رایانه‌ای، این قانون دومین قانونی است که به پیش‌بینی مجازات اشخاص حقوقی پرداخته است. با توجه به لزوم اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها، مجازات‌های مندرج در این ماده احصایی بوده و نمی‌توان از چهارچوب مصادیق آن خارج شد. معیار و ملاک تعیین فعالیت شغلی با اجتماعی مذکور در بند «ب» این ماده برای دادگاه مشخص نشده است. در این خصوص نمی‌توان از موارد مذکور در ماده ۲۶ استفاده نمود. زیرا ماده مذکور به بیان موارد محرومیت از حقوق اجتماعی می‌پردازد که همه آن‌ها عملاً در خصوص اشخاص حقیقی می‌تواند اعمال شود نه اشخاص حقوقی. انتشار حکم محکومیت به وسیله رسانه‌ها که در بند «ج» این ماده پیش‌بینی شده است، اگرچه در خصوص اشخاص حقیقی از مجازات‌های تکمیلی محسوب می‌گردد (ماده ۲۳)، لیکن در این ماده به عنوان مجازات اصلی برای اشخاص حقوقی تلقی شده است. اگرچه در این ماده با اطلاق در عبارت «حداکثر تا سه مورد از موارد زیر» ظاهر بر این است که دست قاضی در انتخاب هر یک از مجازات‌ها آزاد است؛ لیکن در مواد بعدی این اختیار برای دادگاه محدود شده است.^۲

بند دوم: انحلال و مصادره اموال شخص حقوقی

نظام کیفری کشور ما تا قبل از تصویب قانون جرائم رایانه‌ای به معنای اخص و قانون مجازات اسلامی ۹۲ به معنای اعم، هیچ‌گاه به صراحت مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی را پیش‌بینی نکرده بود. به قول دکتر اردبیلی «طبع فرد مدارانه قوانین کیفری مانع از آن بوده است که تکالیف مقرر در قانون به گروه یا جمع واحدی تسری پیدا کند» و رویه قضایی نیز تا قبل از تصویب قانون جدید، هر جا سخن از شخص در مقررات کیفری به میان آورده مخاطب را انسان‌های طبیعی شناخته است ولی در عین حال حتی تا قبل از تصویب قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲ و قانون جرایم رایانه‌ای نیز در قوانین قبل و بعد از انقلاب به مواردی برمی‌خوریم که مجازات اشخاص حقوقی پیش‌بینی شده است. البته قول

۱ - زراعت، عباس، شرح مختصر قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲)، پیشین، ص ۸۸

۲ - بخشی زاده، امین، عارفی، آیناز، محشای قانون مجازات اسلامی جدید، پیشین، ص ۶۸.

قانونگذار مبنی بر دادن مسئولیت کیفری به اشخاص حقوقی در همه موارد یکسان نیست زیرا در بعضی موارد مسئولیت و کیفر جرایم اشخاص حقوقی را متوجه خود شخص حقوقی نموده و در بعضی موارد این مسئولیت را متوجه اشخاص حقیقی (مدیران شخص حقوقی) می‌داند.^۱ قانونگذار، انحلال یا مصادره اموال شخص حقوقی را در دو حالت پیش‌بینی کرده است؛ یک حالت، آن است که شخص حقوقی برای ارتکاب جرم به وجود آمده باشد. اما تحقق عملی این حالت را نمی‌توان به آسانی فرض نمود، زیرا اشخاص حقوقی دارای اساسنامه یا مرامنامه‌ای هستند که باید در مراجع خاصی همچون اداره ثبت شرکت‌ها به ثبت برسد و این مراجع هنگام ثبت اشخاص حقوقی، اساسنامه آن‌ها را کنترل می‌کنند و اگر هدف نامشروعی در آن پیش‌بینی شده باشد از ثبت آن، خودداری می‌کنند. اشخاص حقوقی دولتی و عمومی نیز گرچه نیازی به ثبت ندارند و به محض این که تشکیل شوند شخصیت حقوقی دولتی و عمومی نیز گرچه نیازی به ثبت ندارند و به محض این که تشکیل شوند شخصیت حقوقی پیدا می‌کنند اما امکان تشکیل شدن آن‌ها برای هدف نامشروع وجود ندارد. پس ارتکاب جرم پیدا می‌کنند اما امکان تشکیل شدن آن‌ها برای هدف نامشروع وجود ندارد. پس ارتکاب جرم غالباً در حالت دوم رخ می‌دهد یعنی حالتی که شخص حقوقی برای هدف مشروعی تشکیل می‌شود اما پس از تشکیل، انحراف پیدا کرده و مرتکب جرم می‌شوند. در این مورد نیز عبارت «فعالیت خود را منحصرأ در جهت ارتکاب جرم تغییر داده باشد» عبارت مناسبی نیست زیرا از این ماده چنین استنباط می‌شود که انحلال یا مصادره فقط در حالتی قابل تصور است که شخص حقوقی به غیر از ارتکاب جرم، هیچ عمل دیگری انجام ندهد حال آن که ممکن است شخص حقوقی در کنار فعالیت‌های جاری، مرتکب جرم نیز بشود. نکته دیگری که در مورد حالت دوم باید مورد توجه قرار گیرد، آن است که انحراف از هدف مشروع حداقل به دو صورت قابل تصور است؛ یک صورت، آن است که نماینده شرکت بدون توجه به هدف مشروع شرکت، جرمی را انجام می‌دهد بدون این که ارگان تصمیم‌گیرنده یا اداره کننده شرکت اطلاعی داشته باشد اما این عمل را نمی‌توان به شخص حقوقی منتسب نمود پس حالتی مورد نظر است که شخص حقوقی به نماینده خویش مأموریت می‌دهد تا جرمی را مرتکب شود. مرتکب جرم، نماینده قانون شخص حقوقی است و نماینده قانونی به شخص گفته می‌شود که از سوی شخص حقوقی، وکالت و نمایندگی داشته باشد. به نظر می‌رسد قانونگذار قید «منحصراً» را از روی

۱ - اردبیلی، محمد علی. ۱۳۸۳. حقوق جزای عمومی، جلد دوم، چاپ هفتم، تهران: انتشارات میزان، ص ۲۳.

تعهد بیان کرده است تا انحلال شخص حقوقی و مصادره اموال در حالتی که برخی از فعالیت‌های شخص حقوقی نامشروع می‌باشد امکان نداشته باشد. این تأکید با قواعد حقوقی نیز سازگار است زیرا مصادره کلیه اموال در صورتی امکان دارد که تمامی اموال از راه نامشروع به دست آمده باشد همان گونه که قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۷۶ مصادره تمامی اموال قاچاقچیان مواد مخدر را پیش‌بینی کرده بود اما در اصلاحات سال ۱۳۸۹ منحصر در اموال ناشی از جرم گردید. همچنین انحلال شخص حقوقی در صورتی که برخی اعمال آن، مشروع و قانونی باشد، توجیهی ندارد. با وجود این چنانچه شخص حقوقی، مرتکب جرایم خاصی شود می‌توان فعالیت وی در زمینه‌های مرتبط با آن جرایم را ممنوع ساخت یا اموال ناشی از همان جرایم را مصادره کرد.^۱ نظریه مسئولیت جزایی اشخاص حقوقی که در تعدادی از نظام‌های حقوقی مورد پذیرش قرار گرفته است در حقوق ما نیز با توجه به توضیحات داده شده و محسنات پذیرش این مسئولیت مورد قبول قانونگذار ایرانی قرار گرفته و نظر قانونگذار به سمت پذیرش اصل عام بودن مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی رفته و قانونگذار با لحاظ نمودن محسنات زیادی مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی را پذیرفته است

بند سوم: مسئولیت شخص حقوقی در پرداخت دیه

خسارت بدنی که در حقوق اسلام به صورت دیه یا ارش جبران می‌شود، یکی از وجوه متمایزکننده این نظام حقوقی و نظام‌های دیگر است. این ماهیت مترقی، هنوز جایگاه رفیع خود را به دست نیاورده است و اجتهادی نو را می‌طلبد. یکی از تحولات در این زمینه، تغییر آرام ماهیت جزایی دیه به ماهیت مدنی آن است و در این تغییر، بر جبران خسارت، بیشتر از مجازات شخص تأکید می‌کند واقع مطلب نیز همین است و هر چند هنوز جنبه‌هایی از کیفر را در مفهوم دیه می‌توان تصور کرد، ولی این جنبه‌ها، رفته رفته کم‌رنگ شده و نقش جبران‌گر آن تقویت شده است.

سهم عظیم دیات در چرخش دعاوی دادگستری، انواع خسارات ناشی از فعالیت شرکت‌های صنعتی، اعمال شهرداری و سایر بخش‌هایی که با فعالیت خود، زمینه‌ساز صدمات بدنی می‌شوند، می‌تواند توجیه مناسبی برای دلگرم شدن مخالفان و اقناع آنها به مفید بودن این مسئولیت، در هنگام پرداخت دیات باشد. چنانچه رابطه علیت بین رفتار شخص حقوقی و خسارت وار شده احراز شود دیه و

۱ - زراعت، عباس، شرح مختصر قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲)، پیشین، صص ۸۹-۸۸

خسارت قابل مطالبه خواهد بود و اعمال مجازات تعزیری بر اشخاص حقوقی مطابق ماده ۲۰ خواهد بود.^۱ این حرکت در رویه قضایی آغاز شده است و در برخی از احکام دادگاه‌ها، می‌توان محکوم شدن شخص حقوقی را دید. به عنوان نمونه، می‌توان به رأی شماره ۶۶۰ مورخه ۱۳۷۸/۵/۳۰ شعبه ۱۶۰۸ دادگاه عمومی تهران اشاره کرد که پس از طرح شکایت اولیای دم و محرز شدن این مسئله که شهرداری به دلیل عدم نصب علائم هشداردهنده در محل گودال و سقوط راننده موتورسیکلت در آن و فوت وی و انتساب عرفی تقصیر به شخص حقوقی (شهرداری) مسئول است، اعلام می‌دارد:

نظر دادگاه سببیت متضامناً متوجه شهرداری و پیمانکار یاد شده است. لذا مستنداً به مواد ۴۲ و ۲۹۷ و ۳۳۹ و ۳۶۵ قانون مجازات اسلامی سابق، دادگاه، شهرداری یاد شده و پیمانکار را متضامناً به پرداخت یک دیه کامل مرد مسلمان در حق اولیای دم ... محکوم می‌کند ... ضمناً مستنداً به اصل ۳۷ قانون اساسی به لحاظ خالی بودن بزه از عنصر معنوی، مسئولین شهرداری و پیمانکار از لحاظ عدم رعایت نظامات دولتی و جنبه عمومی بزه تبرئه می‌شود.»

جالب آن است که در این رأی نه تنها مسئولیت کیفری شخص حقوقی پذیرفته شده است بلکه مسئولیت کیفری شخص حقیقی نیز نفی لزوم تحقق مسئولیت شخص حقیقی، در کنار شخص حقوقی، شکسته شده است. این رأی از مخالفت مصون نماند و در اجرای بند ب ماده ۲۳۵ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری، نسبت به آن اعلام اشتباه شد. در بخشی از این اعلام اشتباه آمده است: محکومیت شهرداری برخلاف موازین قانونی است. مستحضر هستید که شهرداری به عنوان یک اداره یا سازمان، دارای شخصیت حقوقی مستقلی است. محکومیت شخصیت حقوقی به پرداخت دیه که به موجب صراحت قانونی مجازات است، موجه نیست. تحقق اراده در شخصیت حقوقی در بالاترین مقام تصمیم‌گیرنده متمرکز می‌شود. بنابراین، با فرض انتساب مسئولیت به شخصیت حقوقی، بایستی مدیر آن از بعد کیفری تحت تعقیب قرار گیرد و در فرض حاضر شهردار منطقه ... بایستی عوض شهرداری مسئولیت کیفری قضیه را عهده‌دار شود» سرانجام دادگاه تجدیدنظر استان تهران با نقض رأی دادگاه عمومی تهران، اعلام می‌دارد که «... در قسمتی که مربوط به محکومیت

۱- تبصره ماده ۱۴ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲.

شهرداری منطقه ... تهران به عنوان کارفرما است ... نقض ... می‌شود».^۱ ما در بحث مستقل دیگری در هنگام نتیجه‌گیری از این رویکرد، چنین گفتیم که: تحلیل حقوقی «مسئولیت شخص حقوقی» و «دیه» که هر دو، در حوزه حقوق مدنی به تفصیل آمده‌اند، می‌تواند راهگشای حقوق کیفری باشد که در موارد مشابه از آنها استفاده کند و این طلسم را در چشم رویه قضایی بشکند که «هیچ مسئولیت کیفری متوجه شخص حقوقی نخواهد بود». اگر پذیرفته شود که دیه نوعی جبران خسارت زیان دیده است، آنگاه پذیرش مسئولیت شخص حقوقی در این باره آسان‌تر خواهد شد.^۲

آثاری از پذیرش مسئولیت کیفری شخص حقوقی و پرداخت دیه را می‌توان در برخی از قوانین ملاحظه کرد. از جمله در تبصره ۲ ماده ۲ قانون دسترسی آزاد به شبکه حمل و نقل ریلی آمده است که: تعیین میزان مسئولیت‌های کیفری و مدنی سوانح ریلی ناشی از اجرای این قانون و سوانح ریلی ناشی از فعالیت‌های راه‌آهن، توسط کمیسیون‌های جلوگیری از سوانح راه‌آهن مستقر در نواحی صورت می‌پذیرد ... راه‌آهن و شرکت‌های موضوع این قانون حساب مورد در صورت بروز سوانح ریلی، مطابق قانون مسئولیت مدنی مسئول جبران خسارت و پرداخت دیه به افراد سانحه دیده می‌باشند. این قاعده به صراحت از مسئولیت راه‌آهن و شرکت‌های دیگر و فعالیت‌های این اشخاص حقوقی سخن می‌گوید و دیه را عهده خود این اشخاص قرار می‌دهد. قسمت اخیر این متن قانونی نیز به قواعد مسئولیت مدنی ارجاع می‌دهد و براساس این قواعد، به تعیین دیه می‌پردازد. یعنی همان تحولی که در ابتدا در خصوص تبدیل ماهیت جزایی دیه به ماهیت مدنی و پذیرش مسئولیت کیفری شخص حقوقی اشاره کردیم.

اداره کل امور حقوقی و اسناد و مترجمین قوه قضاییه هم طی نظریه مشورتی شماره ۷/۹۴۰۸ مورخ ۸۵/۲/۱۲ به تمایز مسئولیت کیفری شخص حقوقی و حقیقی در محدوده این قانون اشاره می‌کند. در این نظریه آمده است:

- با عنایت به تبصره ۲ ماده ۲ قانون دسترسی آزاد به شبکه حمل و نقل ریلی مصوب ۸۴/۷/۶ و ماده ۱۱

۱- برای ملاحظه این آرا و نقد مختصری از آنها، رجوع شود به: خدابخشی، عبدالله. ۱۳۸۴. تسریع در صدمه و فوت و

مسئولیت ناشی از آن، مجله کانون وکلای دادگستری خراسان، سال سوم، ش ۳، صص ۲۱۵-۲۱۰.

۲- همان، ص ۲۱۵.

قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹/۲/۷، مسئولیت راه آهن، نسبت به پرداخت دیه به اوایی دم سوانح ریلی، منحصر به مواردی است که حادثه ناشی از نقص وسایل - خارج از اختیار و اراده راننده قطار - باشد و چنانچه بی احتیاطی یا بی مبالاتی یا عدم رعایت نظامات دولتی یا عدم مهارت راننده یا متصدی وسیله نقلیه موتوری (قطار) منتهی به حادثه منجر به قتل غیر عمدی شود، راه آهن و شرکت های موضوع قانون دسترسی آزاد به شبکه حمل و نقل ریلی، مسئولیتی نسبت به پرداخت دیه یا خسارت نخواهد داشت و مسئولیت کیفری و مدنی به عهده مقصر حادثه - راننده یا متصدی وسیله نقلیه موتوری (قطار) - خواهد بود.^۱

نتیجه گیری

پیش بینی مجازات های اشخاص حقوقی یکی از بارزترین دستاوردهای قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ می باشد. بعد از قانون جرایم رایانه ای، این قانون دومین قانونی است که به پیش بینی مجازات اشخاص حقوقی پرداخته است. از ظاهر ماده ۲۰ قانون مجازات جدید چنین استنباط می شود که شخص حقوقی تنها در صورتی قابل مجازات است که شخص حقیقی مرتکب جرم نیز مجازات شود چون مجازات شخص حقوقی را علاوه بر مجازات شخص حقیقی دانسته است. این ظاهر، منطقی نیست زیرا ممکن است شخص حقیقی به جهاتی فاقد مسئولیت باشد اما دلیلی ندارد که شخص حقوقی نیز مصون از تعقیب و مجازات بماند. به نظر می رسد قانون گذار، حالت غالب را در نظر دارد زیرا تعقیب اشخاص حقوقی معمولاً در حالتی است که نماینده شخص حقوقی که مرتکب جرم شده است تحت تعقیب قرار می گیرد و شخص حقوقی نیز به تبع آن تعقیب می شود. شخص حقوقی دارای شخصیت مستقلی است پس ارتکاب جرم از سوی نماینده وی، تعدد جرم نیست اما از مصادیق جرایم مرتبط است یعنی ممکن است مشمول عناوینی همچون معاونت و شرکت قرار گیرد. طبق صراحت ماده ۲۰ قانون جدید اعمال مجازات برای اشخاص حقوقی مانع از مجازات شخص حقیقی نیست. در عین حال از نظر اعمال کیفر، به سهولت می توان تشخیص داد که [برخی] مجازات های مقرر به وسیله قانون برای اشخاص حقیقی (اعدام، مجازات های سالب آزادی و محدود کننده آزادی و شلاق) نسبت به اشخاص حقوقی

۱- قوانین و مقررات کیفری، ۱۳۸۶. معاونت حقوقی و توسعه قضایی قوه قضاییه و اداره کل امور حقوقی، روزنامه رسمی کشور، جلد دوم، چاپ اول، ص ۲۰۱۶.

غیرقابل اجراست. تنها اعمال مجازات‌های مالی (جزای نقدی و مصادره اموال) نسبت به اشخاص حقوقی امکان پذیر است، زیرا که قانوناً فرض دارائی برای آنها شده است. به علاوه مجازات‌های تعزیل و انحلال مؤسسه نیز در مورد اشخاص حقوقی می‌تواند جایگزین مجازات اعدام برای افراد حقیقی (طبیعی) تلقی شود. در حال حاضر جرائمی از قبیل کلاهبرداری، خیانت در امانت، نقص مقررات جزائی شرکت‌ها، احتکار، گرانفروشی و صدور چک غیرقابل پرداخت و غیره اغلب به وسیله اشخاص حقیقی به نمایندگی از اشخاص حقوقی ارتکاب می‌یابد و در صورتی که نمایندگان شرکت مقصر باشند منطقی و عادلانه است که با اجازه قانون در پناه شخصیت حقیقی آنان، خود شخص حقوقی که به نام و نمایندگی از طرف آن اقدام به عمل آمده مورد توجه قرار گیرد. در خصوص جزای نقدی ماده ۲۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نیز که از ماده ۳۸-۱۳۱ قانون جزای فرانسه اقتباس گردیده است؛ در این ماده مقرر میدارد: «حداکثر جزای نقدی قابل اعمال بر اشخاص حقوقی معادل پنج برابر مبلغی است که به وسیله قانون سرکوب کننده جرم برای اشخاص حقیقی پیش‌بینی شده است». جزای نقدی معمولاً در جرایم مالی مورد حکم قرار می‌گیرد و در پاره‌ای موارد به صورت نسبی تعیین می‌شود. مثلاً دو برابر مالی که از راه جرم به دست آمده است تعیین می‌گردد.

اما در خصوص انحلال شخص حقوقی قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ قانونگذار، انحلال یا مصادره اموال شخص حقوقی را در دو حالت پیش‌بینی کرده است؛ یک حالت، آن است که شخص حقوقی برای ارتکاب جرم به وجود آمده باشد. اما تحقق عملی این حالت را نمی‌توان به آسانی فرض نمود، زیرا اشخاص حقوقی دارای اساسنامه یا مرامنامه‌ای هستند که باید در مراجع خاصی همچون اداره ثبت شرکت‌ها به ثبت برسد و این مراجع هنگام ثبت اشخاص حقوقی، اساسنامه آن‌ها را کنترل می‌کنند و اگر هدف نامشروعی در آن پیش‌بینی شده باشد از ثبت آن، خودداری می‌کنند. اشخاص حقوقی دولتی و عمومی نیز گرچه نیازی به ثبت ندارند و به محض این که تشکیل شوند شخصیت حقوقی دولتی و عمومی نیز گرچه نیازی به ثبت ندارند و به محض این که تشکیل شوند شخصیت حقوقی پیدا می‌کنند اما امکان تشکیل شدن آن‌ها برای هدف نامشروع وجود ندارد. پس ارتکاب جرم پیدا می‌کنند اما امکان تشکیل شدن آن‌ها برای هدف نامشروع وجود ندارد. پس ارتکاب جرم غالباً در حالت دوم رخ می‌دهد یعنی حالتی که شخص حقوقی برای هدف مشروع تشکیل می‌شود اما پس از تشکیل، انحراف پیدا کرده و مرتکب جرم می‌شوند. در این مورد نیز عبارت «فعالیت خود را منحصرأ در جهت

ارتکاب جرم تغییر داده باشد» عبارت مناسبی نیست زیرا از این ماده چنین استنباط می‌شود که انحلال یا مصادره فقط در حالتی قابل تصور است که شخص حقوقی به غیر از ارتکاب جرم، هیچ عمل دیگری انجام ندهد حال آن که ممکن است شخص حقوقی در کنار فعالیت‌های جاری، مرتکب جرم نیز بشود. نکته دیگری که در مورد حالت دوم باید مورد توجه قرار گیرد، آن است که انحراف از هدف مشروع حداقل به دو صورت قابل تصور است؛ یک صورت، آن است که نماینده شرکت بدون توجه به هدف مشروع شرکت، جرمی را انجام می‌دهد بدون این که ارگان تصمیم‌گیرنده یا اداره‌کننده شرکت اطلاعی داشته باشد اما این عمل را نمی‌توان به شخص حقوقی منتسب نمود پس حالتی مورد نظر است که شخص حقوقی به نماینده خویش مأموریت می‌دهد تا جرمی را مرتکب شود. مرتکب جرم، نماینده قانون شخص حقوقی است و نماینده قانونی به شخص گفته می‌شود که از سوی شخص حقوقی، وکالت و نمایندگی داشته باشد

منابع و مآخذ

منابع فارسی

الف) کتب

- اردبیلی، م.ع. ۱۳۸۳. حقوق جزای عمومی، جلد دوم، چاپ هفتم، تهران: انتشارات میزان.
- استفانی، گک؛ لواسور، ژ؛ بولوک، ب. ۱۳۷۷. حقوق جزای عمومی، ترجمه حسن دادبان، جلد دوم، چاپ اول، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
- جعفری لنگرودی، م.ج. ۱۳۶۱. مقدمه عمومی علم حقوق، تهران: کتابخانه گنج دانش.
- جعفری لنگرودی، م.ج. ۱۳۸۴. ترمینولوژی حقوق، چاپ پانزدهم، تهران: انتشارات گنج دانش.
- زراعت، ع. ۱۳۹۲. شرح مختصر قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲)، تهران: ققنوس.
- صانعی، پ. ۱۳۷۲. حقوق جزای عمومی، جلد دوم، تهران: انتشارات گنج دانش.
- صفایی، ح؛ قاسم‌زاده، م. ۱۳۸۴. حقوق مدنی، اشخاص و محجورین، چاپ ۱۱، تهران: سمت.
- عبدالحی، ا. ۱۳۸۹. درس‌هایی از فلسفه حقوق کیفری، تهران: انتشارات خرسندی.
- علی‌آبادی، ع. ۱۳۷۳. حقوق جنایی، جلد اول، چاپ سوم، تهران: انتشارات فردوسی.
- کاتوزیان، ن. ۱۳۸۰. فلسفه حقوق، جلد اول، چاپ دوم، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- کاتوزیان، ن. ۱۳۸۰. قواعد عمومی قراردادها، جلد چهارم، چاپ سوم، تهران: انتشارات شرکت سهامی انتشار.
- کاتوزیان، ن. ۱۳۸۶. اعمال حقوقی قرارداد- ایقاع، چاپ دوازدهم، تهران: انتشارات شرکت سهامی انتشار.
- گروه علمی موسسه آموزش عالی آزاد چتر دانش، ۱۳۹۲. قانون یار مجازات اسلامی، انتشارات چتر دانش.
- گلدوزیان، ا. ۱۳۸۳. حقوق جزای عمومی ایران، جلد اول، چاپ هفتم، تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- گلدوزیان، ا. ۱۳۸۵. بایسته‌های حقوق جزای عمومی، چاپ سیزدهم، تهران: نشر میزان.
- مؤتمنی طباطبایی، م. ۱۳۸۵. حقوق اداری، تهران: انتشارات سمت.

- نوربها، ر. ۱۳۸۴. زمینه‌های حقوق جزای عمومی، چاپ سیزدهم، تهران: نشر گنج دانش.
- یزدانیان، ع. ۱۳۷۹. قلمرو مسئولیت مدنی، چاپ اول، تهران: نشر ادبستان.

ب) مقالات، جزوات و پایان‌نامه

- اشتیاق، و. ۱۳۸۶. گرایش به پذیرش و توسعه مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی، واکنش واقع گرایانه به آثار توسعه، مجله پژوهش‌های حقوقی، ش ۱۱.
- حسنی، م. ۱۳۸۱. مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تهران، شماره ۱۱۶۶.
- خدابخشی، ع. ۱۳۸۷. نقش قواعد مدنی در شناسایی مسئولیت کیفری شخص حقوقی، نشریه فقه و حقوق، سال پنجم، شماره ۱۷، تابستان.
- شریف، ع. ۱۳۹۰، انتساب مسئولیت کیفری به اشخاص حقوقی و نهادهای دولتی، مجله کانون وکلای دادگستری مرکز، شماره ۲۱۲، بهار.
- شفایی، ع. ۱۳۸۷. درآمدی بر مسئولیت مدنی اشخاص حقوقی، نشریه فقه و اصول، سال ۱۵، شماره ۵۵، بهار.
- محسنی، ف. ۱۳۸۹. تحولات مسئولیت کیفری شرکت‌ها (از نظر تا عمل)، دیدگاه‌های حقوقی، سال ۱۵، شماره‌های ۵۱ و ۵۲، پاییز و زمستان.
- مؤسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی شهر دانش، ۱۳۸۷. تهران، مجله «پژوهشهای حقوقی (علمی - ترویجی)»، سال هفتم، شماره ۱۳، بهار و تابستان.
- نمایان، پ. ۱۳۸۶. سیاست تقنینی ایران در قبال مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی، ماهنامه شماره ۶۶، سال ۱۱، بهمن و اسفند.

ج) قوانین

- قانون تجارت الکترونیکی.
- قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲.

